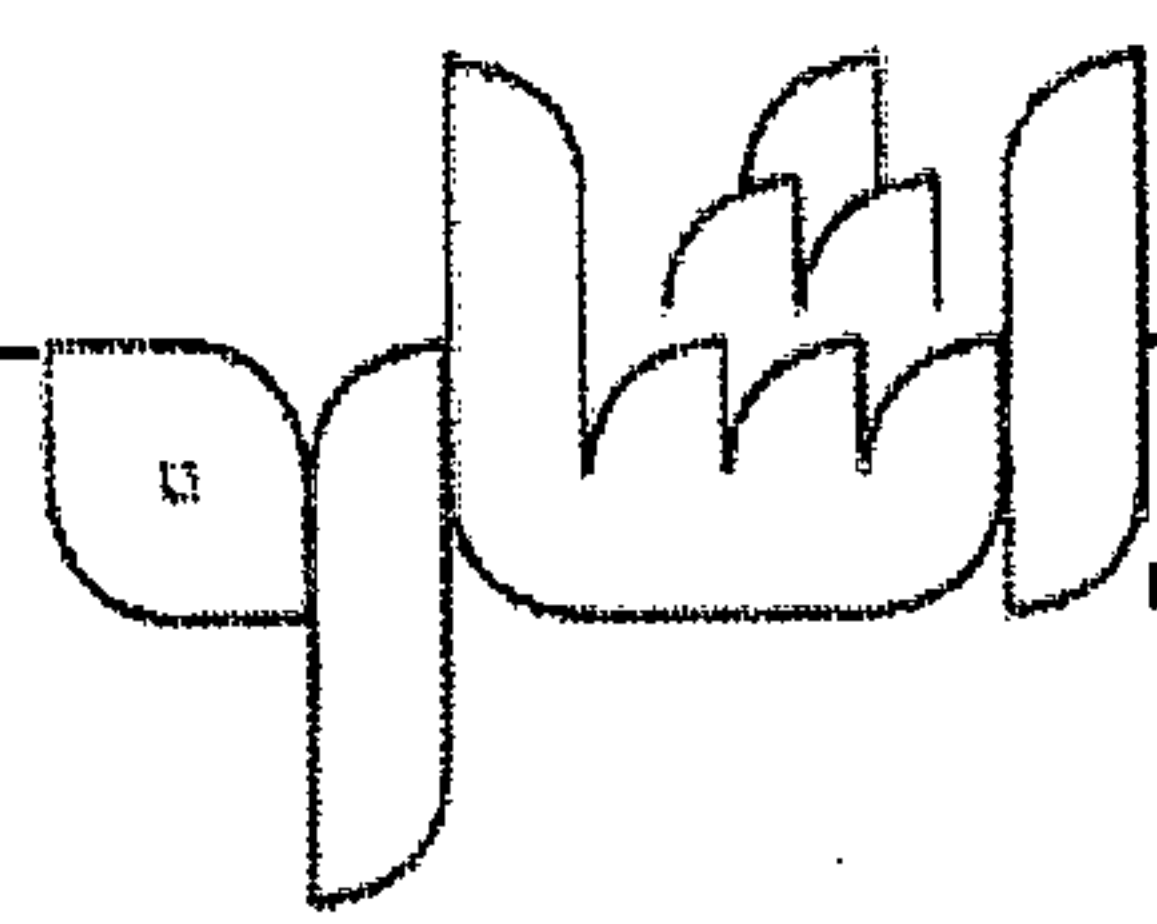




عید و سیره معصومان در شادی‌ها



جشن میلاد، مظهر بزرگ‌ترین و پرشورترین شادی شیعیان
است و این نوشتار مباحثی است کوتاه در جشن میلاد و تاریخچه
آن و آداب شادی‌ها از دیدگاه معصومان.

نیمه شعبان، جشن میلاد امام زمان (ع)، جشن زنده شدن آرزوها و امیدها، جشن آمادگی برای شرکت در نهضتی بزرگ و انسانی است. جشن میلاد جشنی توأم با آگاهی، حرکتی مستمر و سازنده و زندگی بخش، و میثاق و هم‌سویی با امام عصر (ع) است. این روز، از شیرین‌ترین، خجسته‌ترین و بزرگ‌ترین اعیاد اسلامی است. امام خمینی (ره) فرمود:

«عید میلاد حضرت مهدی و بزرگ‌ترین عید برای مسلمین و بزرگ‌ترین عید برای بشر است.»
و به فرموده مقام معظم رهبری:

«روز ولادت حضرت مهدی (ع)، یک عید حقیقی برای همه افراد بشر و کسانی است که سختی کشیدند یا رنجی برده‌اند یا اشکی ریخته‌اند و انتظاری کشیده‌اند.»
روز ولادت حضرت مهدی (ع)، عید همه انسان‌های پاک و آزاده عالم است. با مطالعه و کاوش در متون و فرهنگ‌های گذشته می‌توان به این نتیجه رسید که در طول تاریخ، از زمان غیبت صغری جشن‌های میلاد برگزار می‌شد و مردم محیط کار و خانه خود را با چراغ تزیین می‌کردند.

امیران و پادشاهان برای این که به باورهای مردم احترام بگذارند و به این وسیله در میان توده‌های مردم برای خودشان جایی باز کنند، در آیین شادمانی آنان سهمیم می‌شدند، به نیازمندان هدیه می‌دادند، از خراج و مالیات صرف نظر می‌کردند و سهمیه خراج آنان را با برات

رسید، می‌بخشیدند. و چون پرداخت جایزه‌های نقدی به عامه مردم امکان‌پذیر نبود، برای روز و تاریخ آینده و هنگام برداشت محصول برات و چک به آن‌ها می‌پرداختند. از این رو این شب، به شب برات معروف گردید.^۲ چه بسا مجرمانی که در زندان‌ها به سر می‌بردند و امید داشتند که شب برات برسد و حکم آزادی آنان صادر شود. مستمندان نیز، چشم به خزانه و بیت المال حاکم داشتند تا به این مناسبت به نوایی برسند.

ابوریحان بیرونی می‌گوید:^۳

شب پانزدهم از ماه شعبان را شب برات خوانند.

برای چراغانی و مراسم شادی، از موم شمع‌هایی بزرگ، قطور و با دوام می‌ساختند و فتیله آن‌ها را با مواد رنگی می‌آغشتند که نور را رنگین سازد. این کار بیش‌تر جنبه تزئینی و تشریفاتی داشت و این نوع شمع را، «شمع براتی» می‌گفتند. این شمع که عموماً در چراغانی شب میلاد مورد استفاده قرار می‌گرفت، بسیار با دوام بود و از آغاز تا پایان شب، نور افشانی می‌کرد.^۴

مراسم ولادت حضرت مهدی (عج)

تاریخ نگاران درباره مراسم ولادت آن حضرت به وسیله امام عسگری (ع) سخن به درازا گفته‌اند.

آن حضرت بعد از ولادت با برکت فرزند گرامیش دستور دادند که مقدار زیادی نان و گوشت بخرند و میان فقیران شهر سامرا تقسیم کنند.^۵

و نیز برای او هفتاد قوچ عقیقه کرد.^۶ و چهار تا از آن‌ها را برای یکی از اصحاب خود به نام ابراهیم فرستاد و نامه‌ای با درون مایه زیر به او نوشت:

بسم الله الرحمن الرحيم. این گوسفندها از فرزندم محمد مهدی (عج) است. خودت از آن‌ها بخور و هر کس از شیعیان ما را دیدی، به او هم بخوران.^۷

شیعیان وقتی از ولادت آن حضرت با خبر شدند، سرتاسر وجودشان را به سبب ولادت آن حضرت سرور و شادی فرا گرفت و دسته دسته خدمت امام عسگری می‌رسیدند و ولادت آن بزرگوار را به ایشان تبریک می‌گفتند. شاعران شعرهای بسیاری در این باره می‌سرودند و بدین وسیله، سرور و خوشحالی خود را آشکار می‌کردند.^۸

این روز بزرگ مظهر نشاط و شادی مسلمانان به ویژه شیعیان جهان است و از آنجا که این شادی برای اهل بیت و شیعه باید فرحش هم‌سو با فرح و شادی آنان باشد، در این جا درباره اصل



شادی و آداب آن و نیز، سیره معصومان در شادی‌ها، سخن می‌گوییم.

ضرورت شادی

یکی از نیازهای اساسی و فطری انسان شادی و نشاط است.

شادی ضرورتی است که به زندگی معنا می‌دهد. شادی عاملی است برای نشاط روحی و سلامتی و افزایش توانایی. شادی برای یک انسان سالم یک قاعده است. در پرتو شادی است که انسان می‌تواند خویش را بسازد، قله‌های سلوک را چالاکانه بپیماید و در اجتماع نقش سازنده‌ای داشته باشد. هر ملتی با توجه به دیدگاه‌ها و باورهایش، به گونه‌ای متفاوت، شادی می‌کند. اسلام که دین فطری است و به تمام نیازهای طبیعی و فطری انسان توجه دارد، پیروان خود را به شادی‌های مثبت و سازنده دعوت کرده است؛ شادی‌هایی که در مسیر کمال و سعادت انسان باشد، همچون: شادی برای اطاعت خداوند^۹، انجام کارهای خیر^{۱۰}، کسب موفقیت، احیای ارزش‌ها^{۱۱}، تحول معنوی^{۱۲} و خدمت رسانی.

مردی خدمت امام جواد(ع) رسید، در حالی که شاد و مسرور بود. حضرت فرمود: چیست که تو را شاد می‌بینم؟ عرض کرد: یابن رسول الله از پدر بزرگوارت شنیدم که می‌فرمود: «بهترین روزی که سزاوار است بنده خدا در آن روز شاد باشد، روزی است که توفیق خدمت و دستگیری از برادران مؤمن نصیب او شود و امروز من موفق شدم، به ده نفر از برادران فقیر که از فلان شهر نزد من آمده بودند، بخشش نمایم؛ به همین جهت خوشحالم.»
حضرت فرمود:

«به جان خودم سو گند! تو شایسته این شادی هستی، اگر آن انفاق و بخشش خود را به وسیله منت نبود نکرده باشی.»^{۱۳}

و در مقابل، برخی از شادی‌ها را نهی کرده است. همچون شادی‌های تمسخرآمیز^{۱۴}، شادی به زشتی‌ها^{۱۵}، شادی بر لغزش‌های دیگران^{۱۶}، شادی به گناه^{۱۷}، شادی در مصیبت مظلومان^{۱۸} و شادی‌های مستانه.^{۱۹}

قرآن ضمن بیان عذاب‌های دوزخیان می‌فرماید:

«ذلکم بما کنتم تفرحون فی الارض بغير الحق و بما کنتم تمرحون»^{۲۰}.

این به خاطر آن است که به ناحق در زمین شادی می‌کردید و از روی غرور و مستی به خوشحالی می‌پرداختید.

جالب این که در آخر آیه می‌فرماید: «بما کنتم تمرحون» که به معنای شادی به خاطر مطالب بی‌اساس یا شدت فرح آمده است و شدت فرح معمولاً از گناه و فساد سر در می‌آورد.^{۲۱}

این گونه شادی‌ها پیامدهایی را به دنبال دارد که در نهایت، ندامت و حسرت را در پی دارد. در این جا به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌شود.

الف: جنگ و دعوا

شادی‌های مستانه و افراطی، گاهی موجب تنش و برخورد با دیگران می‌شود، در نتیجه به جنگ و دعوا کشیده می‌شود. حضرت علی فرمود:

«رُبَّ طَرَبٍ يَعُودُ بِالْحَرْبِ»^{۲۲}؛

چه بسا خوشی و شادی که به جنگ و دعوا منتهی می‌شود؛

زیرا معمولاً در شادی‌های افراطی و ناروا حرکاتی انجام می‌شود که آزادی، آسایش و امنیت دیگران را به خطر می‌اندازد. مانند: شراب خواری، پخش موسیقی و نوارهای مبتذل در بعضی از مجالس عروسی، جشن تولد و شب نشینی‌ها...

ب: حادثه‌ها و پیشامدهای ناگوار

از آن جا که شادی‌های بیش از حد با احساسات منفی همراه است و امکان بروز هر گونه حادثه‌ای وجود دارد، مانند: تصادفات رانندگی، موتور سوارانی که با نهایت سرعت و غرور پشت سر کاروان‌های عروسی حرکت می‌کنند یا حوادثی که به خاطر آتش بازی، ترقه بازی و نور افشانی در برخی از مجالس شادی صورت می‌گیرد.

ج. ذلت و رسوایی

بعضی از شادی‌ها به جهت همراه بودن با فساد و گناه، سرانجام به ذلت و رسوایی شخص می‌انجامد. علی (ع) فرمود:

«مَنْ تَلَذَّذَ بِمَعَاصِي اللَّهِ أَوْرَثَهُ اللَّهُ ذُلًّا»^{۲۳}

کسی که از گناهان و معاصی، لذت ببرد، خداوند او را ذلیل خواهد نمود.

د. هلاکت و سقوط

یکی از سنت‌های الهی این است که هرگاه جامعه‌ای به خوش گذرانی، عیاشی و تن پروری روی آورد، دیر یا زود سقوط خواهد کرد.

و در مقابل، جوامعی که میانه‌روی در معاش، تلاش و صرفه جویی در زندگی را شعار خود قرار می‌دهند، سربلند خواهند بود. دلیل این که ملت خوش گذران و عیاش، سرانجام سقوط خواهد کرد، این است که چنین ملتی به جای این که در راه بهبود و پرکردن شکاف اجتماعی تلاش کند و همه امکاناتش را در راه ساختن اجتماعی سربلند و مستقل به کار گیرد، در



اندیشه به دست آوردن غذای مطبوع، رنگین تر و ارضای هر چه بیش تر غرایز و تمایلات افراطی است.

بدیهی است که این گونه سرگرمی‌ها از یک سو، روح تحریک و تلاش را در جامعه می‌میراند و از سوی دیگر، فساد اجتماعی را دامن می‌زند. در نتیجه جامعه را به سراشیبی سقوط می‌کشاند.

آداب شادی

شادی شرایط و آدابی دارد که در زیر به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

الف. مجالس شادی نباید همراه با گناه باشد؛

امام صادق (ع) فرمود:

«لا تسخطو الله برضا احد من خلقه و لا تتقربوا الى الناس بتباعد من الله؛»

خداوند را به غضب در نیاورید به خاطر رضایت و خشنودی احدی از مردم و نزدیک نشوید به مردم به وسیله دوری از خدا.

و نیز فرمود:

«لا ینبغی للمؤمن ان یجلس مجلساً یعصی الله فیه و لا یقدر علی تغییره»^{۲۴}

سزاوار نیست برای مؤمن در مجلسی بنشیند که معصیت خدا در آن می‌شود و نمی‌تواند جو مجلس را عوض کند.

و متأسفانه، گاهی شادی‌ها آن‌چنان با گناه همراه است که شادی با گناه مساوی می‌شود.

ب. با اذیت و آزار همراه نباشد؛

یکی از شرایط شادی این است که با اذیت و آزار دیگران همراه نباشد، متأسفانه امروز بسیاری از شادی‌های ما با آزار دیگران همراه است. مانند: بلند کردن صدای موسیقی و آهنگ‌های مبتذل، مزاحمت‌های تلفنی، انفجارهای تفریحی در شب‌ها شادی و... پیامبر (ص) فرمود:

«من آذی مؤمناً فقد آذانی.»

کسی که مؤمنی را آزار دهد مرا آزار داده است.

هشام بن سالم می‌گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که می‌فرمود:

خداوند می‌فرماید: «لیأذن بحرب منی من اذی عبدی المؤمن»^{۲۵}

ج. لهو نباشد؛

در آیین اسلام، سرگرمی‌های زیانبار و همه عوامل بازدارنده از پیشرفت‌های معنوی، ممنوع است. «موسیقی و غنا»ی حرام، یکی از سرگرمی‌های زیان‌بار است که آدمی را از توجه به خدا و آخرت باز می‌دارد. موسیقی، اثری هم‌چون الکل و افیون، در روح و روان انسان دارد؛ یعنی با رخوتی که در اعصاب ایجاد می‌کند، موجب می‌شود که انسان موقتاً از واقعیت‌های زندگی فاصله بگیرد، لذا امام خمینی و مراجع دیگر نیز شنیدن و نواختن موسیقی را حرام می‌دانند.^{۲۶}

نیز، آیه الله مکارم می‌فرماید:

استفاده از آهنگ‌هایی که مناسب مجالس لهو و فساد است، حرام است و بین موسیقی سنتی و نوین و فرح‌انگیز و غیر آن فرقی نیست.^{۲۷}

د: میانه روی در شادی؛

یکی از آداب شادی، تعادل و میانه‌روی است؛ یعنی آدمی نباید مجسمه غم باشد و نه آن چنان بی درد که فقط به فکر شادی خود باشد و به غم دیگران چشم ببندد. چنان‌چه حاکمان هوسران و پادشاهان خوش‌گذران، در دربار خود با استفاده از افرادی بی شخصیت به عنوان «دلک، تلخک و ملیجک» به تحقیر و استهزای دیگران می‌پرداختند تا ساعاتی را در غفلت و بی‌خبری و شادی مستانه بگذرانند.

و امروز کم نیستند کسانی که فقط به شادی می‌اندیشند، حتی روزهایی که شایسته است انسان محزون باشد. مانند: ایام محرم و سوگواری شهادت معصومین و در مقابل، عده‌ای نیز فقط به دنبال غم و اندوه هستند، حتی در ایام شادی و اعیاد مذهبی. آن‌ها فضای جشن را غمگین می‌سازند و می‌گویند که شیعه عید ندارد، در حالی که مجلس عزا جای خود را دارد و مجلس شادی جای خود را و دلیلی ندارد که ما شادی‌ها را تبدیل به عزا کنیم و این ذهنیت را در نسل جوان جامعه ایجاد کنیم که «دین» مساوی است با غم و اندوه.

همراه با شادی‌های معصومین(ع)

لازمه محبت و دوستی اهل بیت(ع) و شیعه بودن این است که باید در تمام ابعاد زندگی از امامان معصوم(ع) پیروی نمود؛ چه در مسایل اعتقادی، عبادی، سیاسی و اجتماعی و چه در غم‌ها و شادی‌ها.

علی(ع) فرمود:

انظروا اهل بیت نبيکم فالزموا سمتهم و اتبعوا اثرهم فلن يخرجوكم من هدى و لن يعيدوكم



توجه کنید به اهل بیت پیامبر (ص) و در جهت و راه آنها بروید و پیروی کنید آثارشان را؛ چرا که آنها شمارا از راه هدایت خارج نمی سازند و در پستی نمی اندازند.

نخستین الگوهای رفتار و حساسیت‌های انسان در دوران کودکی، پدر و مادرند، سپس معلمان و مربیان و همسالان، ولی آن چه می‌تواند معیار حساسیت و رفتار برای همگان در همهٔ زمان‌ها باشد، شیوهٔ رفتار معصومین (ع) است.

امام رضا (ع) به «ریان بن شبیب» فرمود:

ان سرک ان تگون معنای الدرجات العلی من الجنان فاحزن لحزننا وافرح لفرحنا. ۲۹

اگر دوست داری در درجات عالی بهشت، همراه ما باشی، محزون باش به حزن ما و خوشحال باش برای شادی ما.

لازمهٔ شاد بودن در شادی‌های اهل بیت (ع) به این است که در مناسبت‌هایی چون نیمه شعبان و میلادهای امامان (ع) مجالس شادی برگزار شود تا شادی‌های زندگی به شادی‌های معصومین (ع) پیوند بخورد. مانند: برگزاری مراسم عروسی، جشن‌ها، مهمانی‌ها، خرید وسایل مورد نیاز، هدیه دادن و به دیدار یکدیگر رفتن.

برای این که از مظاهر شادی و سرور معصومین (ع) پیروی نماییم، فهرستی از مظاهر شادی ایشان را بر می‌شماریم.

بر خلاف سنت‌های غلطی که در میان جوامع اسلامی رواج دارد و فکر می‌کنند، در روزهای شادی هر کاری را که خواسته باشند، می‌توانند انجام دهند و روزهای شادی را روزهای لهو و خوشگذرانی می‌دانند، امامان معصوم (ع) در چنین روزهایی، ضمن شادی و سرور، برنامه‌های داشتند که از مجموع آنها یک نکته استفاده می‌شود و آن این است که در روزهای شادی نه تنها تکالیف شرعی نباید تعطیل شود، بلکه تکلیف و عبادت بیش از روزهای دیگر است. اصولاً چنین روزها، روزهای عبادت و بندگی است؛ نه روزهای غفلت و بی‌خبری.

در این جابه‌گوشه‌ای از برنامه‌های معصومین (ع) در روزهای شادی، اشاره می‌کنیم:

۱- تکبیر و تهلیل گفتن

پیامبر اکرم (ص) فرمود:

«زینوا اعیادکم بالتکبیر» ۳۰

عیدهایتان را به الله اکبر گفتن زینت دهید.

خود آن حضرت، هنگامی که از خانه به سمت مصلی بیرون می‌رفت از منزل تا مصلی با صدای بلند «الله اکبر» و «لا اله الا الله» می‌فرمود.^{۳۱}

۲- پوشیدن لباس پاکیزه

از برخی روایات استفاده می‌شود که امامان معصوم (ع) در زمان‌های خاصی چون عید غدیر و بعضی از اعیاد اسلامی، در لباس و پوشش خود تغییری ایجاد و لباس شادی بزرگتر می‌کردند.

امام صادق (ع) فرمود:

«لازم است شخص مؤمن در روز غدیر، پاکیزه‌ترین و مناسب‌ترین لباس خود را بپوشد».^{۳۲}

امام رضا (ع) درباره روز عید غدیر فرمود:

يَوْمَ لَبَسَ الثِّيَابَ وَنَزَعَ السَّوَادَ.^{۳۳}

این روز، روز کندن لباس سیاه و پوشیدن لباس مناسب است.

این شیوه درباره نهم ربیع نیز نقل شده است و درباره عید نوروز، معلی بن خنیس از امام صادق (ع) نقل کرد که فرمود:

اِذَا كَانَ يَوْمَ النَّيْرُوزِ فَاغْتَسَلَ وَأَلْبَسَ أَنْظَفَ ثِيَابِكِ وَتَطَيَّبَ بِأَطْيَبِ طَيِّبٍ وَتَكُونُ ذَلِكَ الْيَوْمَ صَائِمًا.^{۳۴}

هنگامی که عید نوروز فرا رسید، غسل کن و پاکیزه‌ترین لباس‌هایت را بزرگتر کن و به خوشبوترین عطر خود را معطر کن و در این روز، روزه داشته باش.

۳- تبسم و لبخند؛

امام رضا (ع) فرمود:

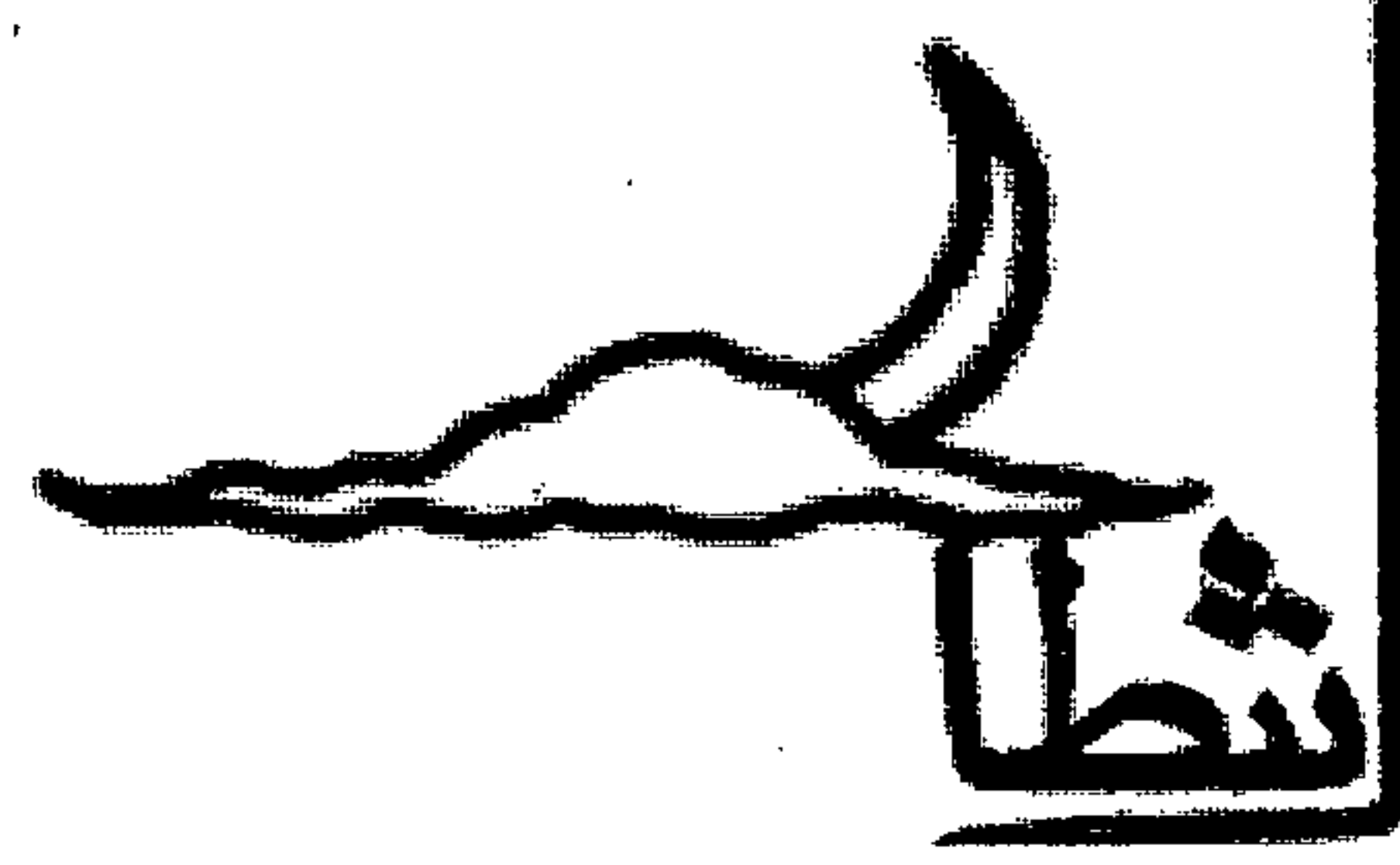
روز غدیر، روز تبسم بر مؤمنان است. کسی که در این روزه روی مؤمن، تبسم کند، خداوند در روز قیامت نظر رحمت بر او می‌افکند.^{۳۵}

۴- تبریک و تهنیت گفتن؛

تبریک و تهنیت گفتن از برجسته‌ترین آداب هر عیدی است و در اسلام نیز سنت تبریک و تهنیت در مناسبت‌هایی مانند عید غدیر، جایگاه ویژه‌ای دارد.

پیامبر اکرم (ص) بر تبریک گفتن در چنین روزی، تأکید می‌کرد و به مردم می‌فرمود:

«هنثونی؛ مرا تبریک بگویید! مرا تبریک بگویید».^{۳۶}



۵. شادی کردن؛

علی (ع) فرمود:

وَأُظْهِرُوا السُّرُورَ فِي مُلَاقَاتِكُمْ.

در برخوردهایتان، شادی را آشکار کنید.^{۳۷}

امام صادق (ع) فرمود:

«روز غدیر، روز خوشحالی و شادی است.»^{۳۸}

۶. دعا و روزه؛

«شیخ طوسی» روایت کرده است که توقیعی به دست قاسم بن علای همدانی وکیل امام حسن عسکری (ع) رسید، مبنی بر این که روز سوم شعبان، سال روز ولادت امام حسین (ع)، روزه بدارد و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْمَوْلُودِ فِي هَذَا الْيَوْمِ...»^{۳۹}

و نیز در دهم رجب، سالروز تولد امام جواد (ع)، به دعای مخصوصی سفارش شده است.^{۴۰}

۷. نماز؛

از دیگر اعمال اعیاد اسلامی، نماز و عبادت است؛ در روز جمعه، نماز جمعه و در عید فطر و قربان، نماز مخصوص عید و در عید غدیر نماز مخصوص سفارش شده است...^{۴۱}

۸. عطر زدن

از جمله سنت‌های پسندیده که همیشه مطلوب است، به ویژه در روزهای عید و شادی، «عطر زدن» است. امام صادق (ع) فرمود:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يُنْفِقُ فِي الطَّيِّبِ أَكْثَرَ مِمَّا يُنْفِقُ فِي الطَّعَامِ.^{۴۲}

پیامبر (ص) برای عطر بیش از طعام، بهای داد و بیش تر پولش را خرج آن می کرد.

امام صادق (ع) فرمود:

تَطِيبٌ بِأَطْيَبِ طَيِّبِكُ.^{۴۳}

با خوشبوترین و بهترین عطرها خود را معطر کن.

ام سلمه می گوید:

در شب عروسی حضرت زهرا (س) به فاطمه (س) عرض کردم آیا نزد شما بوی خوشی یافت می شود که برای خود ذخیره کرده باشی؟ حضرت فرمود: آری، سپس شیشه عطری را آورد و مقداری از آن را به کف دستم ریخت، آن چنان بوی خوش داشت که هرگز نظیرش را

نیافته بودم.^{۴۴}

۹. اطعام طعام؛

فیاض بن محمد طوسی می گوید:

در یکی از سال‌ها روز عید غدیر به حضور امام رضا(ع) شرفیاب شدم، دیدم گروهی در خدمت حضرت هستند. حضرت آنان را برای افطار در خانه‌اش نگه داشت و به خانه‌های آنان نیز طعام، لباس، انگشتر و کفش فرستاد.^{۴۵}

«مرحوم علامه مجلسی» می‌نویسد:

در یکی از سال‌ها که روز عید غدیر مصادف شده بود با روز جمعه حضرت علی(ع) بعد از نماز جمعه با فرزندان و گروهی از شیعیان به منزل امام حسن(ع) جهت اطعامی که حضرت بدین مناسبت برایشان تدارک دیده بود، رفتند.^{۴۶}

۱۰. انفاق و کمک به فقراء؛

یکی از برنامه‌های اعیاد اسلامی، کمک و دستگیری از فقراء و نیازمندان است، مثلاً در عید فطر، زکات فطره و در عید قربان، گوشت قربانی و در سایر اعیاد نیز صدقه سفارش شده است.

امام علی(ع) فرمود:

وَأَدُّوْا فِطْرَتَكُمْ فَإِنَّهَا سُنَّةُ نَبِيِّكُمْ وَفَرِيضَةٌ وَاجِبَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ^{۴۷}

زکات فطره خود را بپردازید؛ زیرا زکات فطره سنت پیامبر و فریضه واجب الهی است.

۱۱. زینت کردن؛

علامه طباطبایی(ره) در ذیل آیه «خُدُّوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ...»^{۴۸}، می‌فرماید:

زینت برای مسجد، زینت و زیبایی است که به هنگام حضور در مسجد مناسب است انجام شود که به طور طبیعی ابتدا برای نماز و طواف است و از اطلاق آیه استفاده می‌شود که در همه نمازهای عید و جماعت‌های روزانه و دیگر عبادت‌ها، مناسب و مطلوب است.^{۴۹}

۱۲. تغییر ذائقه و تنوع؛

یکی از نمونه‌های مظاهر شادی معصومان(ع)، ایجاد تنوع در غذا و میوه است. از پیامبر(ص) نقل شده که فرمودند:

اطْرُقُوا أَهَالِيَكُمْ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ بِشَيْءٍ مِنَ الْفَاكِهَةِ وَاللَّحْمِ حَتَّى يَفْرَحُوا بِالْجُمُعَةِ.^{۵۰}



برای خانواده هایتان در هر جمعه، مقداری میوه و گوشت خریداری نمایید تا با خوردن میوه و غذاهای خوشمزه در روز جمعه خوشحال شوند».

۱۳. صله دادن؛

از سنت‌های معصومان در روزهای شادی و سرور، صله و هدیه دادن است. در این جا به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌شود:

الف. صله امام رضا(ع) در زمان ولایت عهدی؛

در جریان ولایت عهدی امام رضا(ع) شاعران هر کدام به نوبه خود، اظهار وجد و سرور می‌نمودند و اشعاری را که در منقبت امام رضا(ع) سروده بودند، در مجلس می‌خواندند. ابونواس خود را به امام رضا(ع) رسانید و سلام کرد و پاسخ شنید و عرض کرد: یابن رسول الله(ص) چند بیتی سروده‌ام و دوست دارم که آنها را از من بشنوید. امام اجازه داد. ابونواس شروع به خواندن اشعار خود کرد که سه بیت آن این گونه است:

مُطَهَّرُونَ نَقِيلَاتٍ ثِيَابُهُمْ تُتَلَى الصَّلَاةُ عَلَيْهِمْ أَيْنَمَا ذُكِرُوا

مَنْ لَمْ تَكُنْ عَلَوِيَا حِينَ تَنْسِبُهُ فَعَالَهُ فِي قَدِيمِ الدَّهْرِ مُفْتَخِرٌ

فَاءَنْتُمْ الْمَلَاءُ الْأَعْلَى وَعِنْدَكُمْ عِلْمُ الْكِتَابِ وَمَا جَاءَتْ بِهِ السُّورَةُ^{۵۱}

آنها هستند پاکان و پاک دامانی که هر جا نام ایشان برده شود، درود و سلام بر آنها فرستاده می‌شود.

کسی را که نسبت به کسی می‌دهند، اگر علوی نباشد، برای او در این روزگار افتخاری نیست.

شما هستید آن گروه بلند پایه و علم کتاب و آنچه در سوره‌های قرآن آمده است، نزد شماست.

امام به او فرمود: «شعری درباره آنان گفته‌ای که تاکنون هیچ کس نگفته است». آن‌گاه به غلام خود رو نمود و فرمود: «آیا نزد تو از مخارج چیزی مانده است؟»

عرض کرد: بلی، سیصد دینار.

حضرت فرمود:

«آن را به ابونواس بده و شاید او این مبلغ را کم بشمارد؛ لذا این اسب را هم برای او بفرست.»

ب. مرحوم شیخ مفید می‌نویسد:

«از جمله شاعرانی که بر آن حضرت وارد شدند، دعبل بن علی خزاعی شاعر معروف اهل

بیت بود و چون بر آن حضرت وارد شد، عرض کرد: ای پسر پیامبر! من قصیده‌ای گفته‌ام و با خود عهد کرده‌ام که پیش از این که برای شما بخوانم، برای دیگری آن را نخوانم، حضرت به او دستور داد بنشینند تا این که مجلس خلوت شود، آن گاه فرمود:

«قصیده ات را بخوان». پس قصیده‌ای را ایراد کرد که بیت اول آن چنین است:

مَدَارِسُ آيَاتٍ خَلَّتْ مِنْ تَلَاوِهِ وَ مَنَزِلُ وَحْيٍ مُقْفَرُ الْعَرَاصَاتِ
أَرَى فِيئُهُمْ فِي غَيْرِهِمْ مُقْتَسِمًا وَأَيِّدِيهِمْ مِنْ فِيئِهِمْ صَفَرَاتِ

مدرسه‌های آیات قرآنی، از تلاوت قرآن خالی مانده و خانه وحی الهی از سکنه خالی شده است.

می‌بینیم مال اختصاصی فرزندان رسول خدا در بین مخالفان تقسیم شده و عزیزان پیامبر (ص) دستشان از اموالشان خالی است.

دعبل چون از خواندن اشعار خود فارغ شد، حضرت برخاست و سپس به وسیله خادم خود، ششصد دینار فرستاد و از کمی آن عذر خواست.^{۵۲}

ج. صله امام سجاده (ع)؛

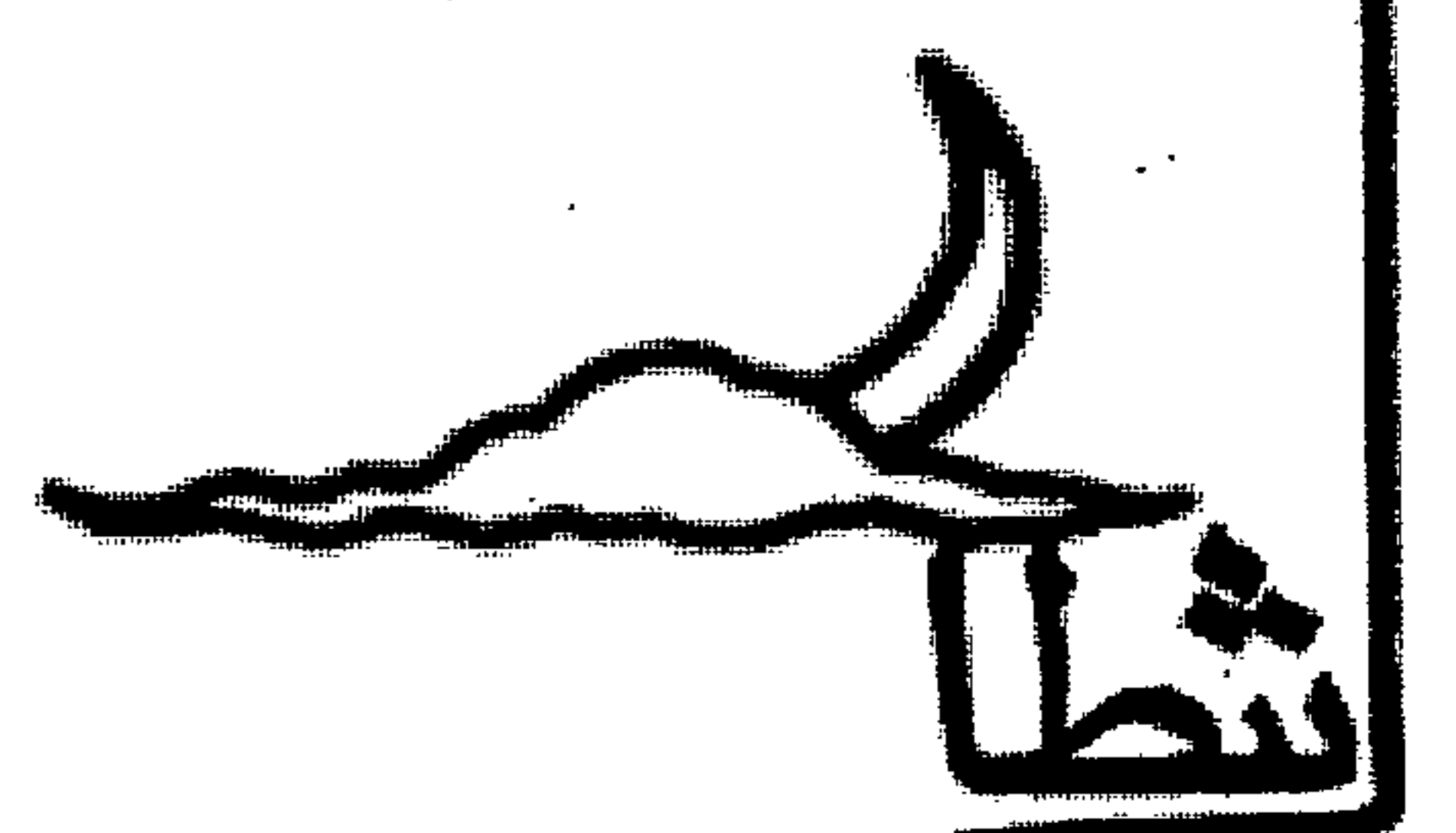
در زمان خلافت عبد الملک مروان، سالی پسرش هشام به حج رفت. در حال طواف، به حجر الأسود رسید و خواست استلام حجر کند، ولی از کثرت جمعیت نتوانست و کسی هم به او اعتنایی نکرد. در این هنگام، امام سجاده (ع) در حالی که طواف می‌کرد به حجر الأسود رسید، مردم به دیدن شکوه و جلالت آن حضرت، از حجر الأسود دور شدند تا آن حضرت استلام کند. هشام از ملاحظه این صحنه غضبناک شد. مردی از اهل شام چون این عظمت و جلالت را مشاهده کرد، از هشام پرسید: این شخص کیست که مردم به او این چنین احترام می‌گذارند؟ هشام برای این که اهل شام آن جناب را نشناسند، گفت من او را نمی‌شناسم!!

فرزدق شاعر که در آن جا حاضر بود، گفت من او را خوب می‌شناسم.
مرد شامی گفت: یا ابا فراس! او کیست؟ فرزدق گفت:

هَذَا الَّذِي تَعْرِفُ الْبَطْحَاهُ وَطَاءَتَهُ وَالْبَيْتُ يَعْرِفُهُ وَالْحِلُّ وَالْحَرَمُ
هَذَا النَّقِيُّ التَّقِيُّ الطَّاهِرُ الْعَلَمُ إِذَا رَأَتْهُ قُرَيْشٌ قَالَ قَائِلُهَا
هَذَا ابْنُ خَيْرِ عِبَادِ اللَّهِ كُلِّهِمْ إِلَى مَكَارِمِ هَذَا يَنْتَهِي الْكَرَمُ...

این کسی است که مکه، گام‌هایش را می‌شناسد، خانه خدا و حل و حرم او را می‌شناسد.

این شخصیت، مظهر تقوا، پاکی و سرشناس است، هر زمانی که قریش او را ببینند، می‌گویند:



این فرزند بهترین بندگان خداست. ویژگی‌ها و نیکی‌های اخلاقی و بزرگواری او به نهایت خود می‌رسد.

هشام خشمگین شد و دستور داد او را حبس کنند. وقتی خبر به حضرت علی بی‌الحسین (ع) رسید، حضرت دوازده هزار درهم برای فرزندق فرستاد و از او معذرت خواست که اگر بیشتر می‌داشتیم، صله بیشتری می‌دادم. فرزندق آن مال را رد کرد و پیغام داد: من این شعر را به خاطر صله نگفتم، بلکه برای خدا و رسول (ص) گفتم. حضرت دوباره آن مال را برای او فرستاد و پیغام داد که به حق من قبول کن و فرزندق قبول کرد.^{۵۳}

کمیت بن زید اسدی، شاعر شیعی زمان امام سجّاد و امام باقر (ع) چون قصیده هاشمیات را سرود، به بصره آمد و نزد فرزندق رفت و قصیده‌اش را خواند. فرزندق او را تحسین کرد و سپس به مدینه رفت و خدمت امام باقر (ع) شرفیاب شد و اشعار خود را برای آن حضرت خواند. امام باقر (ع) فرمود:

ای کمیت اگر نزد من مالی بود، تو را صله می‌دادم، ولی از برای توست آن عبادتی که رسول خدا (ص) به حسان بن ثابت فرموده‌اند:

لا زلت مؤيداً بروح القدس ما ذببت عنا اهل البيت.^{۵۴}

همیشه مؤید باشی به روح القدس به جهت دفاع و حمایت از اهل بیت.

و در روایت دیگر آمده است که صاعد مولای کمیت گفت که با کمیت خدمت امام باقر (ع) رفتم و کمیت قصیده‌ای را در مدح اهل بیت (ع) ایراد کرد. حضرت فرمود:

اللهم اغفر للکمیت اللهم اغفر للکمیت؛

خدایا کمیت را بیامرزد خدایا کمیت را بیامرزد. سپس هزار دینار و مقداری لباس به او بخشید. کمیت پول را پذیرفت و جامه را به جهت تبرک و تین قبول کرد.^{۵۵}

ه. و در حالات حضرت موسی بن جعفر (ع) آمده است:

روز عیدی مردم به دیدن آن حضرت آمده و هدایایی آورده بودند. آخرین نفر آن‌ها پیرمرد فقیری بود که پیش آمد و عرض کرد: من هدیه‌ای ندارم جز بیست بیت شعر که جدم در مدح جدت گفته است. پس آن اشعار را خواند، حضرت فرمود: «هدیه تو را قبول کردم». سپس تمام هدایایی که برای او آورده بودند، به آن پیرمرد بخشید.^{۵۶}

۱۴- ولیمه؛

یکی از سنت‌های اسلامی در شادی‌ها، سنت ولیمه است. پیامبر اکرم (ص) فرمود:

«لَا وَلِيْمَةَ اَلْاَفِي خَمْسٍ. فِی عُرْسٍ اَوْ خُرْسٍ اَوْ عِدَارٍ اَوْ وَاوْكَارٍ اَوْ رِكَازٍ».^{۵۷}

ولیمه و اطعام در پنج مورد بیش تر تأکید شده است: ۱. عروسی، ۲. هنگام تولد نوزاد، ۳. ختنه اولاد، ۴. موقع خرید خانه، ۵. در مراجعت از زیارت خانه خدا.

پیامبر اکرم (ص) هنگام تزویج میمونه دختر حارث، ولیمه داد.^{۵۸} حضرت علی (ع) برای عروسی حضرت زهرا (س) مهاجرین و انصار را دعوت کرد و آنها را طعام و ولیمه داد.^{۵۹}

۱۵- توسعه زندگی؛

علی (ع) روز عید غدیر، خطاب به افرادی که در مسجد کوفه حاضر بودند، فرمود: خدا شمارا رحمت کند! به خانه هایتان بروید و خانواده های خود را شاد نمایید. امام رضا (ع) فرمود:

خداوند کسی را که روز عید غدیر، بر عیال خود توسعه دهد، رحمت می کند و او را از آتش دوزخ دور می گرداند.^{۶۰}

۱۶- همایش؛

گردهمایی یکی از اعمال و آداب روزهای عید است. علی (ع) فرمود:

«وَأَجْمِعُوا يَجْمَعُ اللَّهُ شَمْلَكُمْ»

در روز عید غدیر گردهم آید تا خداوند امورتان را از نابسامانی و پراکندگی برهاند.^{۶۱} یکی از بزرگان می فرمود:

صرف حضور در مجالس شادی معصومین نشاطی به انسان می بخشد که وصف کردنی نیست.

۱۷- هدیه دادن؛

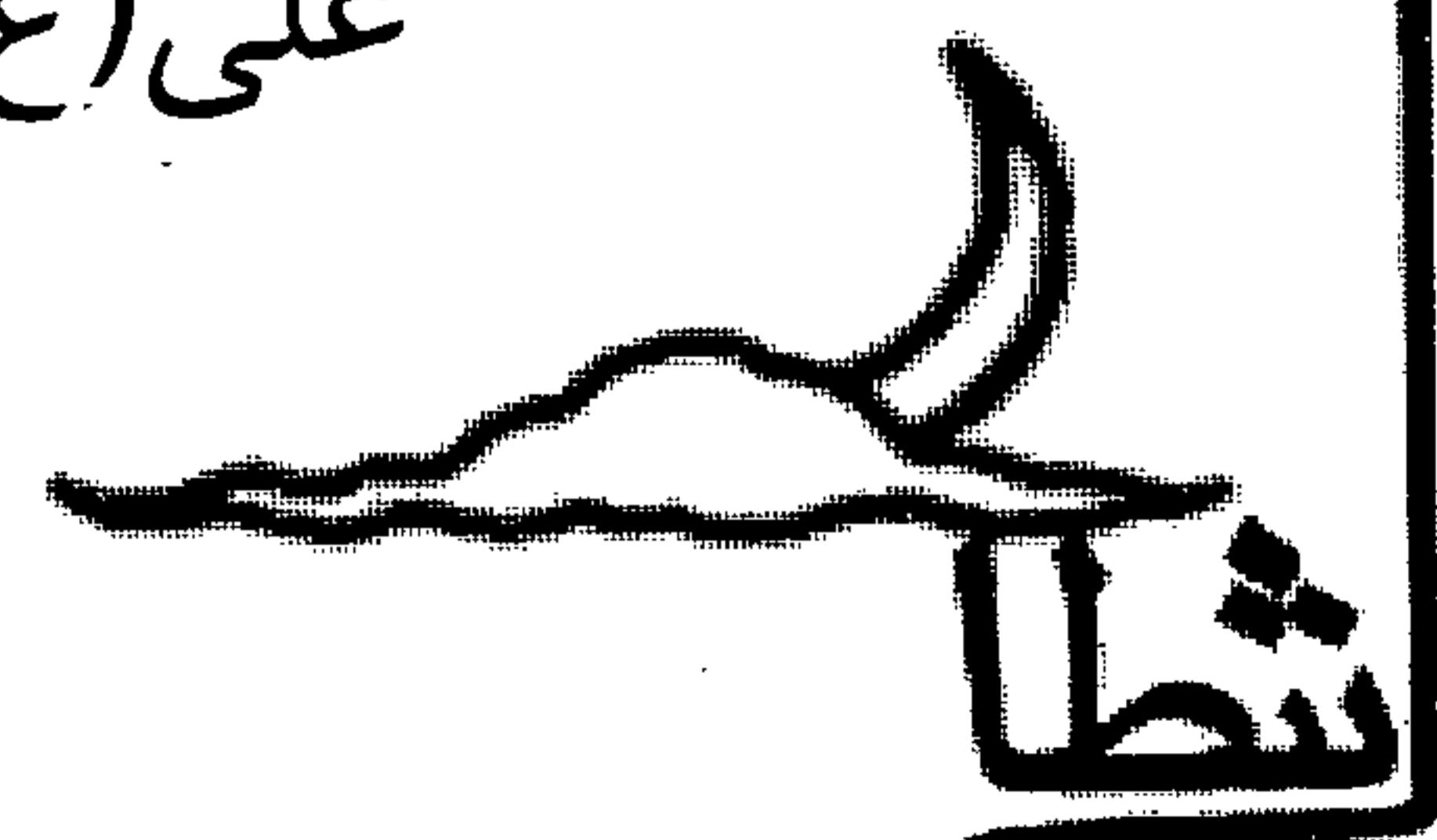
یکی از سنت های نیکو در اعیاد اسلامی هدیه دادن است. امام رضا (ع) فرمود:

أَفْضَلُ عَلَيَّ إِخْوَانِكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ:

در این روز (عید غدیر) بر برادرانت بخشش کن.^{۶۲}

۱۸- نیکی و احسان؛

احسان و نیکی یکی دیگر از آداب اعیاد اسلامی است. علی (ع) فرمود:



به یکدیگر نیکی کنید که خداوند میان شما الفت پدیدار سازد و نیکی در این روز موجب افزایش مال و عمر می شود.

امام صادق (ع) فرمود:

وَأَكْثَرُ بَرِّهِمْ:

در روز غدیر به برادران ایمانی ات بسیار نیکی کن^{۶۳}.

۱۹- دید و بازدید؛

دید و بازدید، یکی از آداب روزهای عید و روزهای شادی است. این سنت، مردم را شاداب تر و نام ویاد عید را در دل و ذهنشان ریشه دارتر می کند و در روایات مورد توجه قرار گرفته است.^{۶۴}

در پایان این بحث تذکر چند نکته لازم است:

۱. هر گونه شادی که از طرف مکتب و شرع، نهی نشده باشد، در مجالس شادی مباح است و هر ملتی در هر زمانی طبق آداب و رسوم خود شادی هایی دارند و می توان آن شادی ها را برگزید.

۲. با توجه به اینکه مراسم های مذهبی به گونه ای با مکتب و اهلیت پیوند دارد، باید به شکلی باشد که بتواند ضمن پدید آوردن شادی، فرهنگ آنان را ترویج نمود. چنان که برای بزرگ داشت شخصیت های علمی و فرهنگی ملت ها، ابعاد زندگی آنان مطرح می شود؛ بر خلاف جشن تولد کودکان که هدف از آن تنها شادی و نشاط است.

۳. در زمینه جشن ها و یادبودها کتاب هایی نوشته شده است که می توان از میان آن ها به کتاب های زیر اشاره کرد:

المواسم و المراسم سید جعفر مرتضی، نشر سازمان تبلیغات؛ بزرگداشت ها در اسلام محمد سپهری، سازمان تبلیغات اسلامی؛ کتاب شرع و شادی، ابوالفضل طریقه دار، نشر همسایه؛ کتاب غم و شادی، نشر صفحه نگار؛ زندگی شادی بخش، اکرم مقدم، نشر حضور؛ خنده شوخی شادکامی، احمد لقمانی، نشر سابقون؛ حدیث زندگی؛ شادی و نشاط شماره ۳ و اسلام و یادبودها، محمود شلتوت.

۱. مجله پاسدار اسلام، ش ۱۱۱، اسفند ۶۹.
۲. تقویم نجومی، سال ۱۳۷۰.
۳. التفهیم لاوائل صناعة التنجیم، ص ۲۵۲.
۴. «لغت نامه دهخدا، ذیل واژه برات».
۵. ده هزار رهل نان و ده هزار رهل گوشت، کمال الدین، ج ۲، ص ۱۰۵.
۶. بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۴ و در برخی از نقلها آمده است سیصد گوسفند عقیقه کرد؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۱۰۶؛ امام مهدی، علی محمد علی دخیل، ص ۴۷.
۷. غیبت، شیخ طوسی، ص ۱۵۹؛ بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۴.
۸. زندگانی خاتم الاوصیاء امام مهدی (عج)، باقر شریف قرشی، نشر فقاقت، ص ۳۲.
۹. علی(ع): سرور المؤمن بطاعة ربه، میزان الحکمه، ج ۴، ص ۴۳۷.
۱۰. علی(ع): أكثر سرورک علی ما قدمت من الخیر، همان.
۱۱. امام صادق (ع) السرور فی ثلاث خصال الوفاء و رعایة الحقوق و النهوض فی الثواب، بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۳۷.
۱۲. لیس العید لمن لنس الجدید انما العید. لمن آمن الوعید، بحار الانوار، ج ۴۰، ص ۷۳.
۱۳. شیعه در پیشگاه قرآن و اهل بیت، ص ۲۶۱.
۱۴. زخرف، آیه ۴۷؛ مطففین، آیه ۲۹.
۱۵. آل عمران، آیه ۱۸۸.
۱۶. علی لا تفرح سقطه غیرک فانک لا تدری ما یحدث بک الزمان، میزان الحکمه، ج ۷، ص ۱۴۹.
۱۷. علی(ع): التبهج بالمعاصی اقبیح من رکوبها؛ شادی به گناه، زشت تر است از انجام آن، میزان الحکمه، ج ۳، ص ۴۶۳.
۱۸. و هذا یوم فرحت به آل زیاد و آل مروان، زیارت عاشورا.
۱۹. قصص، ص ۷۶.
۲۰. مؤمن، آیه ۷۵.
۲۱. تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۱۷۶.
۲۲. میزان الحکمه، ج ۷، ص ۷۲۶.
۲۳. میزان الحکمه، ج ۳، ص ۴۶۳.
۲۴. همان، ص ۲۶، ج ۲۱۵۱۲.
۲۵. وسایل الشیعه، ج ۸، ص ۵۸۷.
۲۶. استفتائات امام خمینی، ج ۲، ص ۱۱، س ۲۵.
۲۷. استفتائات جدید آیه الله مکارم، س ۱۴۴.
۲۸. میزان الحکمه، ج ۱، ص ۱۹۲. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۷، ص ۷۶.
۲۹. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۹۳، حدیث ۵، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۹۹.
۳۰. میزان الحکمه، ج ۷، ص ۱۳۳.
۳۱. همان، کنز العمال، ج ۱۸۰۱ و ۱۸۱۰۴ و ۲۴۰۹۵.
۳۲. میرزا جواد آقا تبریزی، المراقبات، ص ۲۱۷؛ بحار الانوار ۹۵، ص ۳۰۱.
۳۳. بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۳۵۴.
۳۴. بحار الانوار، ج ۵۶، ص ۱۰۰ و ۹۲؛ حدائق، ج ۱۳، ص ۳۸.
۳۵. المراقبات، ص ۲۵۷.
۳۶. الغدیر، ج ۱، ص ۲۷۴.
۳۷. الغدیر، ج ۱، ص ۲۸۷.
۳۸. همان، ص ۲۸۴.
۳۹. منتهی الامال، ج ۱، ص ۲۸۱.
۴۰. همان، ج ۲، ص ۲۲۶.
۴۱. مفاتیح الجنان.
۴۲. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۴۴۳.
۴۳. بحار الانوار، ج ۵۶، ص ۱۰.
۴۴. شیخ عباس قمی، بیت الاحزان، ترجمه محمد محمدی اشتهاردی، ص ۵۸، چاپ انتشارات ناصر.
۴۵. بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۱۱۲، ج ۸.
۴۶. همان، ج ۹۴، ص ۱۱۸.
۴۷. وسائل الشیعه، سی جلدی، ج ۵، ص ۱۳۸.
۴۸. زینت خود را در هر نمازی برگیرید.
۴۹. میزان، ج ۸، ص ۷۸، ذیل آیه ۱۳۱ از سوره اعراف.
۵۰. سفینه البحار، ج ۱، ماده جمع.
۵۱. مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۲۶۶-۲۶۲.
۵۲. همان؛ منتهی الامال، ج ۱، ص ۴۷۶.
۵۳. منتهی الامال، ج ۲، ص ۳۴ (چاپ جاویدان).
۵۴. منتهی الامال، ج ۱، ص ۴۷۷.
۵۵. همان، ۴۷۷.
۵۶. منتهی الامال، ج ۲، ص ۳۴؛ در کتاب العذر، ج ۱، ص ۲۸۷، نمونه های زیادی در زمینه ی صله های معصومان و شخصیت ها نقل شده است.
۵۷. وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۶۵، ج ۵.
۵۸. همان، ج ۳، ص ۶۵.
۵۹. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۹۵.
۶۰. سید ابن طاووس، اقبال، ص ۷۵.
۶۱. الغدیر، ج ۱، ص ۲۸۴.
۶۲. الغدیر، ج ۱، ص ۲۸۷.
۶۳. المراقبات، ص ۲۵۶.
۶۴. المراقبات، ص ۲۵۷؛ ویژه نامه غدیر، مجله کوثر، ۱۳۷۶/۲.

